

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هفتم، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۷

تحلیل و بررسی موجودیت ادیان ابراهیمی در عصر ظهور با تفسیر «الی یوم القیامة»

مرتضی عبدی چاری^۱

محمدجواد طالبی چاری^۲

چکیده

به باور شیعه با ظهور امام زمان علیه السلام و با تشکیل حکومت جهانی دین اسلام، دین جهانی خواهد شد و بر سرتاسر جهان حاکمیت پیدا خواهد نمود. دلیل بر این مطلب روایاتی است که درباره عصر ظهور و جهانی شدن دین اسلام وارد شده‌اند. آن چه که در این زمینه مهم است این که آیا پیروان ادیان ابراهیمی همه مسلمان خواهند شد؟ و یا ادیانی چون یهودیت و مسیحیت دیگر وجود نخواهند داشت؟ و چهره غالب جهان را؛ اسلام فراخواهد گرفت و ادیان دیگر با پیروان اقلیت تا قیامت وجود خواهند داشت؟ برای تبیین این مطلب با مراجعه به قرآن کریم به آیاتی برمی‌خوریم که از ظاهر آنها استفاده می‌شود ادیان مانند یهودیت و مسیحیت تا قیامت باقی خواهند بود، زیرا از تعابیر قرآنی چون وجود عداوت، بغض و کینه بین یهودیت و مسیحیت تا روز قیامت را می‌توان، برداشت کرد. گرچه در ذیل این دسته از آیات، روایاتی که دقیقاً بیانگر مفهوم «الی یوم القیامة» باشد،

۱. دکتری الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث و محقق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (نویسنده

مستول) (m.abdichari@isca.ac.ir).

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور.

مقدمه

در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام دین اسلام از نو تجدید حیات پیدا می‌کند و سرتاسر جهان را درمی‌نوردد و دین، جهانی خواهد شد. امام و یاران‌شان برای تحقق این امر تلاش پیگیری انجام خواهند داد. از طرفی وجود برخی از آیات در قرآن کریم بیانگر حضور ادیان دیگر در قبال دین اسلام تا روز قیامت است. این مطلب را می‌توان از ظاهر آیه‌ای که درباره وجود عداوت و بغضا بین یهود و مسیحیت دلالت دارد؛ استفاده نمود. بنابراین ضروری است از چگونگی ارتباط این آیات با عصر ظهور که عصر حاکمیت مطلق دین اسلام است بحث و گفتگو شود که مراد از «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» چیست؟ گرچه در تفاسیر مختلف اعم از شیعه و اهل سنت درباره این دسته از آیات بحث و گفتگو شده اما بحث منسجم و همه جانبه‌ای در این زمینه صورت نگرفته است بدین جهت در نوشتار پیش‌رو درباره تبیین آیه‌ای که بیانگر وجود عداوت و بغضا بین یهود و مسیحیت تا روز قیامت است با تاکید بر تفسیر «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» بحث منسجمی خواهد شد و ارتباط آن با ظهور امام مهدی علیه السلام و حکومت جهانی تبیین خواهد شد. این نوشتار در صدد است تا به این پرسش اصلی پاسخ دهد که: چگونه می‌توان وجود عداوت و بغضا بین یهود و مسیحیت تا روز قیامت را با جهانی شدن دین اسلام در

وجود ندارد! اما نکته مهم این است اگر منظور از قیامت کبری باشد لازمه‌اش این است که ادیان در عصر ظهور وجود دارند. در این صورت با مهدویت مرتبط می‌شود. در عین حال از سوی مفسران در این زمینه اقوالی نقل شده است. برخی براین باورند مراد از «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، قیامت کبری است؛ در نتیجه عداوت و بغض بین پیروان دین یهود و نصاری تا قیامت وجود دارد و این حاکی از وجود این ادیان در حکومت جهانی است و برخی دیگر معتقدند واژه «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» در معنای مجازی به کار رفته و در حقیقت به معنای وجود عداوت و بغضاً در مدت زمان طولانی است عده دیگر هم در معنای عداوت و بغضاً قائل به بغض درونی شدند و قیامت را قیامت کبری معنا نموده‌اند.

تبیین واژه «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» و ارتباط آن با عصر ظهور و حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام از مهم‌ترین نوآوری‌های تحقیق پیش‌رو است.

واژگان کلیدی

یهودیت، مسیحیت، ادیان ابراهیمی، یوم القیامه، عصر ظهور.

عصر ظهور و حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام جمع کرد؟ برای رسیدن به پاسخ، لازم است از روش عقلی و نقلی توأمان استفاده شود، بخصوص اقوال مفسران شیعه و اهل سنت در این راستا مهم خواهد بود. از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق تبیین معنای واژه «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» و ارتباط آن با حاکمیت اسلام در عصر ظهور است. دلایلی از آیات و روایات مطرح کرده‌اند، که در این پژوهش به تحلیل و بررسی دیدگاه مفسران ذیل چند آیه از قرآن کریم می‌پردازیم؛ مهم‌ترین آیات مورد استدلال عبارت است از:

۱. آیه ۱۴ سوره مائده

خداوند در این زمینه می‌فرماید:

«وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

و از کسانی که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، از ایشان [نیز] پیمان گرفتیم، و [الی] بخشی از آن‌چه را بدان اندرز داده شده بودند فراموش کردند، و ما [هم] تا روز قیامت میان‌شان دشمنی و کینه افکندیم.

بیان آیه

قرآن کریم پس از بیان انحراف یهود از راه مستقیم و این‌که آن‌ها بعضی آیات خدا را به دست فراموشی سپردند، در این آیه خداوند به ذکر احوال نصاری و مسیحیان می‌پردازد و می‌فرماید مسیحیان مانند یهود، بخشی از آیات الهی را که به آن‌ها داده شده بود، از یاد بردند و آن را به مردم اعلام نکردند؛ با این‌که از آنان پیمان عمل به تمام محتوای آن دین و کتاب انجیل گرفته شده بود و آنها هم به آن متعهد و ملتزم شدند. اما نصاری مانند یهود در کتاب آسمانی خود دست بردند و آن را به نفع خود تغییر دادند.

نکته مهم دیگر این‌که خداوند می‌فرماید: «کسانی که گفتند ما نصرانی هستیم» و نمی‌فرماید «نصارا» این برای آن است که آن‌ها نصارا حقیقی (یعنی یاری رسان دین خدا) نبودند، بلکه نصارا بودن آنها يك ادعا بود، البته در بعضی از آیات خداوند با لفظ «نصاری» اطلاق شده و این به خاطر غلبه این نام در بین مسیحیان بوده است و از زبان مسیحان بیان نموده است در عین حال از لحن آیه برمی‌آید که این نام مورد رضایت خدا نبوده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ۲۶۹؛ طوسی، بی‌تا: ج ۳، ۴۷۱؛ مظهری، ۱۴۱۲: ج ۳، ۶۸؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ج ۲، ۳۶۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۶، ۱۰۲؛ جعفری، بی‌تا: ج ۳، ۹۶؛ مکارم، ۱۳۷۴:

ج ۴، ۳۱۷-۳۱۸؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ج ۳، ۲۰۵؛ لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۱، ۶۲۶)

پیمان گرفتن از نصاری نیز مانند پیمان گرفتن از یهود است چراکه نصارا همانند یهود آیات را نادیده گرفتند و سپس به دست فراموشی سپردند و انجیل را تحریف نمودند؛ به خاطر همین شکستن پیمان الهی از سوی نصارا، خداوند در میان آن‌ها دشمنی و کینه خواهد افکند و این نتیجه قهری اعمال ناشایست آنهاست. (مظهری، ۱۴۱۲: ج ۳، ۶۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۶، ۱۰۲؛ جعفری، بی‌تا: ج ۳، ۹۶؛ مکارم، ۱۳۷۴: ج ۴، ۳۱۹؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ج ۳، ۲۰۵) مسیحیان از همان آغاز دچار اختلاف و درگیری شدند؛ حتی در میان حواریون عیسی اختلاف پیدا شد و یهودای «اسخریوطی» جای مسیح را به دشمنان نشان داد و از آن پس مسیحیان همواره در اختلاف بوده‌اند (جعفری، بی‌تا: ج ۳، ۹۶) مطالعات تاریخی گواهی می‌دهد به گوناگونی و تکه تکه شدن مذاهب در میان آن‌ها به حدی که همدیگر را تکفیر کرده‌اند مانند: یعقوبیه، نسطوریه و ملکانیه و یا در عصر ما کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس و امروزه آنتی کراست و مسیحیت صهیونسم و... اختلاف آنان چنان عمیق است که امکان رفع آن وجود ندارد. و این اختلاف نظر هنوز ادامه دارد و بر اساس پیشگویی قرآن تا قیامت ادامه دارد.

۲. آیه ۶۴ سوره مائده

در آیه دیگر خداوند می‌فرماید:

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالَّذِينَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾

و یهود گفتند: «دست خدا بسته است.» دست‌های خودشان بسته باد. و به [سزای] آن‌چه گفتند، از رحمت خدا دور شوند. بلکه هر دو دست او گشاده است، هرگونه بخواهد می‌بخشد. و قطعاً آن‌چه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود، و تا روز قیامت میان‌شان دشمنی و کینه افکنندیم. هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت. و در زمین برای فساد می‌کوشند. و خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد.

بیان آیه

یهود و بنی اسرائیل درباره خدا حرف‌های ناروای فراوان گفتند؛ و از جمله این‌که: به بیان

امام صادق علیه السلام در توضیح این آیه، آنها معتقدند وقتی خداوند جهان را آفرید و برای آن مقررات و نظم و حساب و کتابی قرار داد، و سپس مانند يك حاکمی که عزل شده در گوشه‌ای رفت چرا که قدرت تغییر و تبدیل در عالم را از دست داد و برای این که جاودانه بودن دین خود را ثابت کنند؛ می‌گفتند: خداوند نمی‌تواند شریعتی را نسخ کند و شریعت دیگری به جای آن بیاورد. در حالی که دین آن‌ها هم شریعت قبل از حضرت موسی علیه السلام را نسخ کرده بود. (جعفری، بی‌تا: ج ۳، ۲۰۲)

در این آیه، هم به یکی از این سخنان پرداخته است. خداوند می‌فرماید: آن‌ها گفتند: دست خدا بسته است، یعنی او نمی‌تواند کاری انجام دهد. خداوند در پاسخ این بی‌ادبی، آن‌ها را نفرین می‌کند و می‌فرماید: دستان آن‌ها بسته باد و به خاطر این سخن آن‌ها را لعنت نمود! و فرمود بلکه دستانم باز است و هرگونه که بخواهد انفاق می‌کند؛ یعنی انفاق و بخشش خداوند در عالم همیشگی است و این مسئله هرگز از او جدا نمی‌شود، البته گفته شده که آیه در مورد اظهارات بعضی از یهودیهای عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛ از آنجا که یهودی‌ها در آن عصر و با ظهور اسلام قدرت و توانایی سیاسی و اقتصادی خود را از دست داده بودند، گفتند: دستان خدا بسته شده؛ یعنی خدا درباره ما بخل می‌ورزد، و این آیه پاسخ می‌دهد که دستان خدا باز است و به هر کس هرگونه که بخواهد انفاق می‌کند. هم چنین گفته شده که یهودی‌ها وقتی می‌دیدند مسلمانان وضع مالی خوبی ندارند، این سخن را از روی استهزاء به زبان می‌آوردند و منظور آن‌ها این بود که خدای شما مسلمانان بخیل است و شما در فقر به سر می‌برید. و اقوال بسیار دیگر که همه آنها را طبرسی و علامه طباطبایی و مفسران دیگر این احتمالات را در تفسیر آیه آورده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ۳۴۰؛ بلخی، ۱۴۲۳: ج ۱، ۴۹۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۵، ۱۴۶؛ طباطبایی، ۱۳۶۴: ج ۶، ۳۲؛ جعفری، بی‌تا: ج ۳، ۲۰۳؛ مکارم، ۱۳۷۴: ج ۴، ۴۵۰؛ و...) در ادامه آیه آمده: قرآن به جای این که آن‌ها را هدایت کند باعث افزایش کفر آن‌ها می‌شود، زیرا آنها در مقابل هر آیه‌ای که نازل می‌شود مخالفت می‌ورزند و آن را تکذیب می‌کنند و خداوند سرنوشت شومی را که تا قیامت دامن‌گیر آنهاست ذکر می‌کند و می‌فرماید: ما میان آنها تا روز

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام انه قال في قول الله عزوجل: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يُدَالِلُ اللَّهُ مَعْلُومَةً﴾ لم يعنوا انه هكذا، ولكنهم قالوا قد فرغ من الأمر فلا يزيد ولا ينقص. (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۵۱۵؛ آملی، ۱۴۲۳: ج ۲، ۳۹۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ج ۲، ۳۳۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ج ۲، ۴۹؛ جعفری، بی‌تا: ج ۳، ۲۰۲؛ مکارم، ۱۳۷۴: ج ۴، ۴۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۶۴: ج ۶، ۳۲)

قیامت دشمنی و کینه انداخته‌ایم؛ یعنی این سرنوشت محتوم آن‌هاست که همواره با یکدیگر دشمنی کنند و کینه یکدیگر را به دل داشته باشند، و این به خاطر اختلاف در آراء و عقاید و پیدایش فرقه‌های گوناگون در میان یهود در طول تاریخ است.

۳. آیه ۱۶۷ اعراف

یکی دیگر از آیاتی که ظاهراً بر وجود یهودیت و مسیحیت در عصر ظهور دلالت دارد و از نظر معنی شباهت کامل با دو آیه مذکور دارد، آیه:

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْنَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾

و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت اعلام داشت که تا روز قیامت بر آنان [یهودیان] کسانی را خواهد گماشت که بدیشان عذاب سخت بچشانند.

بیان آیه

این آیه در حقیقت، به قسمتی از کیفی‌های دنیوی جمعی از یهود اشاره دارد که در برابر فرمان‌های الهی قد علم کرده و حق، عدالت و درستی را زیر پا گذاشته‌اند. از این آیه استفاده می‌شود که این گروه سرکش، هرگز روی آرامش کامل نخواهد دید؛ هر چند برای خود حکومت و دولتی تأسیس کند، باز تحت فشار و ناراحتی مدام خواهد بود. در تفسیر مجمع‌البیان ذیل آیه آمده است: خداوند، پیامبر گرامی اسلام ﷺ را مخاطب ساخته، می‌فرماید: ای محمد، به خاطر داشته باش که خداوند اعلام کرده است که بر قوم یهود، تا روز قیامت، کسانی را مسلط می‌کند که آنها را گرفتار شکنجه کنند و از آنها جزیه بگیرند. همه مفسران می‌گویند: منظور امت محمد ﷺ است. از این آیه بر می‌آید که یهود تا روز قیامت، دولت و عزتی نخواهند داشت.^۱ این تسلط، به این معنی است که دست آنها را - اگرچه از راه معصیت باشد - بر سر یهودیان باز گذارد. مثل: ﴿أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَضَّعُوا لَهُمْ أَسَاءَ﴾ (مریم: ۸۳) ما شیاطین را بر سر کافران می‌فرستیم تا آنها را بفریبند و در این هنگام خداوند نسبت به کسانی که سزاوار باشند، زود کیفر می‌رساند و نسبت به نیکان آمرزگار و رحیم است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ۷۶۰) اما این که این افراد چه کسانی هستند در آیه بعدی مشخص می‌شود: ابن عباس و مجاهد درباره آیه ﴿وَ قَطَّعْنَا هُمُ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا﴾ می‌گویند: یعنی یهودیان را در بلاد، دسته دسته متفرق

۱. المروری عن أبي جعفر عليه السلام و هذا يدل على أن اليهود لا تكون لهم دولة إلى يوم القيامة ولا عز. (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۴، ۷۶۰)

کردیم. این تفرقه به خاطر اختلاف هدف و مسلك است و مایه ذلت و خواری آنهاست، نمی‌توانند به یکدیگر کمک کنند. (همو)
این داستان مربوط به قبل از ارتداد آنهاست. یعنی پیش از بعثت حضرت عیسی علیه السلام برخی گفته‌اند:

یعنی گروهی به نبوت حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله ایمان می‌آوردند و گروهی ایمان نمی‌آوردند. (همو)

آیا واژه قیامت که در آیات یاد شده؛ در معنای حقیقی خود آمده است؟ یا به صورت مجاز به معنای زمان بسیار طولانی و دامنه‌دار بیان شده است؟

تحلیل و بررسی آیات

جمله مشترک در هر دو آیه اول و دوم، یعنی جمله: «الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» است که هر دو آیه درباره کینه، عداوت و دشمنی مستمر و دامنه‌دار یهودیان و مسیحیان، که هرگز فروکش نخواهد کرد و تا روز قیامت ادامه خواهد داشت، سخن می‌گویند.

حال موضوع مهم این جاست که منظور از «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» چیست؟ اگر مراد قیامت کبری باشد، در این صورت باید گفت، این دو دین تا ظهور و حتی در تمام دوران حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام باقی می‌مانند. با روشن شدن این عبارت، وضعیت وجودی ادیان در عصر ظهور مشخص خواهد شد.

مشکل اساسی در فهم این عبارت در آیات مذکور این است که روایت یا روایاتی در ذیل آیه وجود ندارد تا مشخص کند که آیا منظور از «قیامت» در این آیات؛ قیامت کبری است؟ و یا منظور از «قیامت»، تاکید بر دوام و استمرار است؟

برای روشن شدن مطلب خوب است نگاهی گذرا به اقوال مفسران در ذیل این سه آیه داشته باشیم. با توجه به بررسی صورت گرفته از اقوال مفسران ذیل عبارت «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» در دو آیه از سوره «مائده» چهار نظریه وجود دارد؛ این چهار نظریه عبارت است از:

نظریه اول

منظور از «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» قیامت کبری است. حال اگر منظور قیامت کبری باشد؛ در این صورت، وجود ادیان شامل تمام دوران، حتی دوران ظهور و حکومت حضرت مهدی علیه السلام می‌شود؛ لذا همه مسیحیان و یهودیان به طور مطلق مسلمان نمی‌شوند، هرچند آن‌ها در اقلیت

هستند. بنابراین احکام اقلیت بر آن‌ها بار می‌شود. طرفداران این قول برای اثبات دیدگاه‌شان از دو تعبیر استفاده نموده‌اند: گروهی تنها گفته‌اند: «یهودیان و مسیحیان تا روز قیامت همدیگر را دوست نخواهند داشت». (شیبانی، ۱۴۱۳: ج ۲، ۲۰۷، ۲۳۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ۲۶۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۳، ۶۰؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ج ۶، ۱۲۸؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۹، ۸۵) گروه دیگر می‌گویند یهودیان و مسیحیان تا روز قیامت هرچند به صورت اقلیت حتی در زمان ظهور حضرت حجت ابن الحسن علیه السلام تا قیامت، حضور دارند. (طباطبایی، ۱۳۶۴: ج ۶، ۵۰؛ قرشی، ۱۳۷۷: ج ۳، ۳۸؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۳، ۴۹؛ قرشی، ۱۳۷۱: ج ۵، ۹۶؛ میدی، ۱۳۷۱: ج ۳، ۱۷۱)

نظریه دوم

گروهی از مفسران بر این باورند که قیامت در این آیات در حقیقت بیانگر مدت زمان طولانی است و معنای حقیقی آن مدنظر نیست. و منظور از «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» را به «غایة للإغراء» (حائری تهرانی، ۱۳۷۷: ج ۳، ۲۷۶؛ حقی بروسی، بی‌تا: ج ۲، ۳۶۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۳۴۹) معنی کرده‌اند. یعنی هرگاه دو گروه از یهود و نصاری خواهش نفسانی خود را کنار گذارند، عداوت نیز از بین می‌رود. (عاملی، ۱۳۶۰: ج ۳، ۲۴۴) محمدجواد مغنیه در تفسیر *الکاشف* (مغنیه، ۱۴۲۴: ج ۳، ۹۲) نیز با لفظ امکان گفت: عداوت و دشمنی ممکن است تا قیامت طول بکشد.

نظریه سوم

گروهی دیگر بر این باورند که منظور از «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. مرحوم سبزواری در کتاب تفسیر خود، متعرض این مطلب شده است. ایشان تنها کسی است که با بیان شبهه و پاسخ به آن، ثابت کرد که در عصر ظهور هیچ یهودی و مسیحی وجود ندارد و همه طوائف مسلمان می‌شوند؛ در این صورت، جزیه هم کارایی ندارد. او همچنین ثابت کرد که مراد از قیامت، قیامت دیگری به نام قیامت صغری یا قیامت عصر ظهور است. چون قیام حضرت بعد از زمان طولانی باعث فراموشی و موت یاد ایشان در اذهان مردم شده است، این ظهور همانند قیامتی جلوه می‌کند. (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ج ۲، ۴۳۸) البته ناگفته نماند که ایشان ذیل آیه ۶۴ سوره مائده، از تعبیر دیگری استفاده کرده که قابل تأمل است: «وَقَدْ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» «آنها بریک امر واحد اتفاق نمی‌کنند و برای آنها طایفه و امت واحد نیست و اصلا و ابدا عداوت بین‌شان از بین نمی‌رود» ایشان با

حرف «لن»، آشتی بین این دو گروه را برای ابد، نفی کردند. (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ج ۲، ۴۹۵)

نظریه چهارم

برخی بر این باورند منظور از واژه قیامت در آیات یاد شده قیامت کبری است. منتهی عداوت و دشمنی‌شان باطنی خواهد بود گرچه به ظاهر دشمنی نداشته باشند و اسلام نیز آورده باشند. باید دانست که اثر خاطرة تلخ از یک شخص و یا طایفه یا گروه، هرچند در کنار آن بخشش و عفو هم باشد، برای شخص ستمدیده سال‌های متمادی باقی است و از ذهنش بیرون نمی‌رود، هرچند در ظاهر با هم مشکلی نداشته باشند؛ مانند قتل غیر عمد که خانواده مقتول، توان روبه‌رو شدن با قاتل غیر عمد را ندارند؛ با این که خودشان آن شخص را عفو نمودند!

از این رو با این که در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام همه آنها مسلمان می‌شوند، به خاطر کینه یا همان تلخ کامی باطنی، عداوت و بغضایی بین‌شان باقی می‌ماند.

البته مفسرانی هم هستند که به لفظ «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» هیچ توجهی نکردند با یک عبارت عام و کلی از آن عبور کرده‌اند و فقط گفتند: «فلا تقع بينهم موافقة اصلا» (نخجوانی، ۱۹۹۹: ج ۱، ۱۹۹) یا «فلا تقع بينهم موافقة ابدا» (مراغی، ۱۹۸۵: ج ۶، ۱۵۴). و بعضی دیگر حتی از این دو عبارت هم استفاده ننموده و حتی اشاره‌ای به قیامت ننموده‌اند.^۱ (کاشانی، ۱۴۱۰: ج ۱، ۳۰۲؛ مشهدی قمی، ۱۱۲۵: ج ۴، ۱۶۴؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ج ۲، ۲۹۳؛ مظهری، ۱۴۱۲: ج ۳، ۱۴۲)

اما اقوال مفسران ذیل آیه ۱۶۷ سوره «اعراف» نیز همانند دو آیه قبل با کمی تفاوت این‌طور است؛ وعده عذابی که خداوند در این آیه به قوم یهود داده، مدت زمانش تا هنگامه قیامت است. برخی از مفسران قید «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» را نص دانسته‌اند؛ و گفته‌اند: در بیان مدت زمان کیفر الهی بر قوم یهود که تا قیامت می‌باشد (رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۵، ۳۹۴). برخی دیگر تداوم قید «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» را تداوم در دنیا تعبیر کرده‌اند یعنی: تا زمانی که دنیا به آخر نرسیده، عذاب قوم یهود ادامه پیدا خواهد کرد. (طباطبایی، ۱۳۶۴: ج ۸، ۲۹۳) برخی آن را به ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تفسیر نموده‌اند، از دید آنان: افرادی را که بر قوم یهود تسلط پیدا کرده و آن‌ها را زیر سیطره خود در آورده و آن‌ها را به ذلت و خواری می‌کشاند، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان دانسته‌اند. (طبری، ۱۴۱۲: ج ۹، ۱۳۶)

۱. وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ یعنی بین اليهود و النصارى قال الحسن و مجاهد و قيل بین طوائف اليهود جعلهم الله مختلفين فى دينهم فلا يتوافق قلوبهم ولا يتطابق أقوالهم.

در برخی از کتاب‌های تفسیری آمده است: پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان که بر قوم یهود مسلط می‌شوند، آن‌ها را در فشار و تنگنا قرار می‌دهند تا این که گروهی از یهودیان تسلیم و گروه دیگر تن به جزیه می‌دهند؛ (بغوی، ۱۴۲۰: ج ۲، ۲۰۹) یعنی افرادی که جزیه دادن را می‌پذیرند، می‌توانند تا روز قیامت با حفظ آئین و مسلک خود که یهودیت باشد، ادامه حیات بدهند.

برای روشن شدن مطلب، لازم است نگاهی هرچند گذرا به دیدگاه مفسران درباره آیاتی که در آن‌ها خداوند از عبارت «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» استفاده نموده است؛ داشته باشیم تا مشخص شود مفسران درباره سایر آیات چگونه برخورد کرده‌اند:

در قرآن کریم یازده مرتبه عبارت «إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» تکرار شده است. از این آیات دو آیه، مربوط به سوره «مائده» می‌باشد و یک آیه مربوط به سوره «اعراف» است که توضیح‌شان گذشت.

سه آیه دیگر از یازده آیه مورد نظر، به اتفاق قاطبه مفسران حرف جار «الی» به معنای «فی» استعمال شده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۱۰۲ و ۱۵۲؛ بروسوی، بی تا: ج ۲، ۲۵۶؛ شبیر، ۱۴۰۷: ج ۲، ۷۸ و ۲۴۰؛ جوزی، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ۱۱۹؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ج ۲، ۱۱۹؛ لاهیجی، ۱۳۷۳: ج ۱، ۵۲۲ و ۷۳۹) آن سه آیه عبارتند از:

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ» (نساء: ۸۷).

«قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ» (انعام: ۱۱۲).

«قُلْ اللَّهُ يَحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ» (جاثیه: ۲۶).

در این صورت، قطعاً منظور از قیامت همان قیامت کبری می‌باشد، که از موضوع بحث خارج است.

آیه ششم: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قُمْ وَرَافِعَكَ إِلَىٰ وَمُطَهِّرَكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلِ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَخْبُكُمْ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (آل عمران: ۵۵) که بسیار به دو آیه از سوره «مائده» و آیه ۱۶۷ سوره «اعراف» شباهت دارد:

این آیه به زنده بودن حضرت عیسی عليه السلام اشاره می‌کند؛ هرچند در انجیل‌های فعلی آمده:

مسیح کشته شده و دفن گردید و سپس از میان مردگان برخاست و مدت کوتاهی در زمین

بود و بعد به آسمان صعود کرد.^۱

این آیه هم‌چنین درباره برتری پیروان حضرت عیسی علیه السلام نسبت به کسانی که به آن حضرت کافر شدند، آمده است؛ سپس خداوند متعال می‌فرماید: «این برتری تا روز قیامت باقی است و استمرار دارد.» مفسران، خصوصاً تفسیر نمونه (مکارم، ۱۳۷۴: ج ۲، ۵۷۱) و تفسیر نور (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۲، ۷۲) به وجود ادیان در عصر ظهور و به پرداخت جزیه معتقد شده‌اند و این مسئله را ثابت کرده‌اند و مخالفین پرداخت جزیه هم ذیل آیه مذکور دلایل خود را مطرح کرده‌اند.

اما بعضی از مفسرین با تصریح به این که مراد آیه، قیامت کبری نیست، گفتند: منظور آیه استمرار برتری تا زمانی که حیات دنیوی باقی است (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۵، ۷۶۰؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ج ۳، ۱۸۰؛ ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲: ج ۵، ۳۴۸؛ رازی، ۱۴۲۰: ج ۸، ۲۳۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۳، ۱۰۹؛ مراغی، بی‌تا: ج ۳، ۱۷۰). و عده‌ای دیگر با تکیه به سخن جبایی که گفته: «و فيه دلالة على انه لا يكون لليهود مملكة الى يوم القيامة»؛ این آیه دلالت دارد بر این که برای یهودیان تا روز قیامت صاحب مملکت نخواهند شد (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۲، ۷۶۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۲، ۱۲؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ج ۱، ۳۶۰؛ مظهری، ۱۴۱۲: ج ۲، ۱۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۳۷؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۲۵۲) چون مملکت و مملکت‌داری مربوط به امور دنیوی است. اسماعیل حقی از مفسران اهل سنت گفته: منظور خداوند از قیامت کنایه از مطلق استمرار و دوام دانسته است. (حقی بروسوی، بی‌تا: ج ۲، ۴۲) زمخشری، صاحب کتاب *الکشاف* استمرار برتری و مسلمان شدن مردم را مقید به برگشت حضرت مسیح علیه السلام دانسته و گفته است:

بعد از نزول مسیح همه مسلمان می‌شوند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۶۷)

آیه هفتم: «لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۶۲).

خداوند جریان مهلت خواستن شیطان را مطرح کرده است که شیطان از خداوند تا روز قیامت مهلت خواست. منظور از «قیامت» در این آیه چیست؟ مفسران ذیل آیه، درباره قیامت مبحثی مطرح نکرده‌اند و بیشتر به بحث مهلت خواستن و تهدید شیطان نسبت به انسان پرداخته‌اند. شاید دلیل که روایات فراوانی که درباره کشته شدن شیطان در ذیل آیه ۳۸ سوره

۱. انجیل مرقس باب ۱۶ و انجیل متی باب ۲۸ و انجیل لوقا باب ۲۴ و همین‌طور انجیل یوحنا باب ۳۱.

حجر آمده است. اما بعضی از مفسران بر این عقیده‌اند که شیطان در دوره آخرالزمان به دست امام مهدی علیه السلام (طبق روایات ائمه طاهریین علیهم السلام) کشته خواهد شد. (نجفی، ۱۳۷۸: ۲۰۳؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۴۹۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۴۲، ح ۱۴) از این رو نباید مهلت خداوند به شیطان تا قیامت کبری، باشد، بلکه قبل از آن و یا در دوره ظهور حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود. البته با تتبع انجام شده، تنها مفسری که درباره قیامت مطلب متفاوتی مطرح کرده است، صادقی تهرانی صاحب کتاب *الفرقان فی تفسیر القرآن* است. او با بیان مقدمه‌ای نسبتاً طولانی روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام را «یوم الدین» و «یوم الدین» را روز قیامت معرفی کرد، که در نتیجه روز قیامت در آیه را همان روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام معرفی نمودند و پایان عمر شیطان را روز ظهور امام دانسته است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۱۷، ۲۵۵)

آیه هشتم و نهم: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ (قصص: ۷۱) و ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ (قصص: ۷۲)، خداوند قدرت خودش را نشان می‌دهد که اگر خداوند بخواهد می‌تواند روز را بدون شب و برعکس شب را بدون روز به صورت همیشه حتی تا روز قیامت ادامه بدهد. قاطبه مفسران می‌گویند: در آیات فوق قید ﴿إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ در کنار واژه «سرمد» (که به معنای همیشگی و دائمی است) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۰۸) قید توضیحی است که در واقع همان معنای «سرمدی» را تداعی می‌کند. از این رو مراد خداوند در آیه دلالت بر دوام و استمرار غیرمنقطع دارد؛ (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۷، ۴۱۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ج ۵، ۱۳۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۳، ۴۲۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۶، ۲۲۶؛ مکارم، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ۱۴۷) و هیچ یک از مفسران منظور از قیامت در این دو آیه، قیامت کبری تفسیر ننموده‌اند.

آیه دهم: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ (احقاف: ۵)

این آیه درباره عدم پاسخگویی بت‌ها و عمق گمراهی مشرکان است که چیزی را پرستش می‌کنند که هرچه از آن‌ها بخواهند پاسخی دریافت نمی‌کنند و خداوند به کنایه فرمود: اگر تا روز رستاخیز از بت‌ها بخواهید؛ قطعاً پاسخی نخواهید شنید.

همه مفسران ﴿إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ را حمل بر معنای کنایه آن کردند؛ یعنی بت‌ها ابداً

۱. ﴿إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾.

جوابگو نیستند و پاسخ درخواست آن‌ها را نمی‌دهند. (شبر، ۱۴۰۷: ج ۶، ۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۹، ۱۲۵؛ عاملی، ۱۴۱۳: ج ۳، ۱۹۸؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۵۰۶؛ مترجمان، ۱۳۷۷: ج ۱۳، ۱۲۵) نکته مهم که به آن کمتر توجه شده است ضمیر مفرد در «له» است به نظر می‌رسد منظور از ﴿إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ یعنی آمد و انتهای عمر آن شخص که منتهی به قیامت می‌شود؛ است به نوعی کنایه از این است که تا آخر عمرت این بت‌ها را صدا کنی پاسخی دریافت نمی‌کنی چرا که منتهای زمانی همه انسان‌ها قیامت است از این رو هر انسانی تا انتهای و تا آخر عمرش بت‌ها را صدا کند، جواب نمی‌شود و این مسئله تا پایان دنیا دوام دارد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۳، ۱۶۴؛ طباطبایی، ۱۳۶۴: ج ۱۸، ۱۸۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۲۶، ۱۱)

آیه یازدهم: ﴿أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِاللَّغَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ (قلم: ۳۹).

این آیه در پاسخ به آیه قبل است که می‌فرماید: شما انتظار دارید مجرمانی همچون خودتان هم‌طراز مسلمین باشند، این سخنی است که نه عقل به آن حکم می‌کند و نه در هیچ کتاب معتبری آمده است.

و در آیه بعد چنین ادامه می‌دهد: اگر شما مدرکی از عقل و نقل بر این ادعا ندارید آیا عهد و پیمان‌های مؤکدی بر ما دارید که تا روز قیامت استمرار دارد که هر چه را به نفع خود حکم می‌کنید برای شما قرار می‌دهد؟! چه کسی می‌تواند ادعا کند که از خدا عهد و پیمان گرفته است که تسلیم تمایلات او گردد، و هر امتیاز و مقامی می‌خواهد بی‌چون و چرا به او بدهد؟! تا آن جا که مجرمان هم‌ردیف مؤمنان شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۴، ۴۱۰) اما علامه طباطبایی رحمته‌الله در تفسیر خود می‌نویسد: جمله ﴿إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ﴾ در مقام مفعول است برای جمله «تخیرون» و استفهام در آیه انکاری است، و معنایش این است که: نه، آن طور نیست، شاید این طور باشد که کتابی آسمانی داشته باشید، و در آن خوانده باشید که ای مشرکین اختیار با شما است، هر چه دلتان خواست و درباره دنیا و آخرت و یا تنها آخرت خود اختیار کردید؛ بکنید، و خلاصه هر نامربوطی خواستید از دهان تان بیرون بریزید، اختیار سعادت و آخرت تان با خودتان است، هر چه شما بخواهید و بگویید همان می‌شود. و آیه بعد می‌-

فرماید: نه، چنین اختیاری ندارند، و خدا با عهد و سوگندی شفاهی چنین پیمانی با ایشان نبسته. کلمه «ایمان» جمع یمین است، که به معنای سوگند است، و کلمه «بلوغ» که کلمه «بالغة» اسم فاعل آن است به معنای رسیدن به انتهای کمال است، پس «ایمان بالغه» به معنای سوگندهایی است که تأکید را به نهایت رسانده باشد، و بنابراین، جمله ﴿إِلَى يَوْمِ

الْقِيَامَةِ» ظرفی است (به اصطلاح) مستقر و متعلق به مقدر، و تقدیر کلام «ام لکم علینا ایمان کائنه الی یوم القیامة، مؤكدة نهایة التوكید» است، یعنی نه، آن هم نیست، بلکه شاید این باشد که شما قسمی به گردن ما داشته باشید، و خلاصه ما سوگند بسیار مؤکد خورده باشیم سوگندی که تا روز قیامت اعتبار [استمرار] داشته باشد که اختیار قیامت را به شما واگذار می‌کنیم، هر حکمی خواستید بکنید. (طباطبایی، ۱۳۶۴: ج ۱۹، ۳۸۳) این مطلب را بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت بیان کردند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱۰، ۵۰۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۵، ۳۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ج ۲۹، ۲۴؛ بروسوی، بی تا: ج ۱۰، ۱۲۰) پس آیه کلمات فرضی مشرکان را به صورت تمثیل بیان کرد و استمرار نهایی آن تا روز قیامت کبری قرار داد.

نتیجه‌گیری

از یازده آیه نقل شده غیر از سه آیه که یقیناً به معنای قیامت کبری است،^۱ در بقیه موارد منظور از قیامت، قیامت کبری نیست و بیشتر مفسران قائل به دوام، استمرار و مدت طولانی و دامنه‌دار هستند؛ البته بعضی از آنان آن زمان را به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و بعضی دیگر به دوران ظهور و پرداخت جزیه اهل کتاب نیز مقید نموده‌اند. بعضی از مفسرین موضوعات مطرح شده در آیات را تا قیامت کبری تسری داده‌اند و در این زمینه توجیهاتی را بیان کردند.

در عین حال، با توجه به عدم وجود روایت در ذیل آیه، هیچ منافاتی ندارد که ما «إلی یوم الْقِيَامَةِ» را حمل کنیم بر این که یهودیت و مسیحیت در آخرالزمان تا هنگام تثبیت حکومت حضرت مهدی علیه السلام خواهند بود و در عین حال که مسلمان می‌شوند، آن خاطره تلخ را به همراه خود در دل شان داشته باشند و یا طبق نظر مرحوم طبرسی عداوت و کینه مربوط به تخطئه کردن کتب آسمانی تحریف شده ایشان است و اشکالات کتب را به رخ همدیگر می‌کشند^۲ و تا

۱. آیات نساء ۸۷ و انعام ۱۲ و جائیه ۲۶ که «الی» را به معنای «فی» تاویل برده‌اند.

۲. و قیل الوجه فی قوله تعالی «فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ» أنه أخبر أنهم اختلفوا فيما بينهم و كلهم علی خطأ و ضلال و قد جعل الله سبحانه علی كل مقالة من مقالاتهم التي أخطأوا فيها دلائل عرف بها بعضهم خطأ بعض فتعادوا علی ذلك و تباعدوا و لم تعرف كل فرقة منهم خطأ أنفسهم فلما لم یصل كل منهم إلی المعرفة بخطأ صاحبه إلا من جهة كتاب الله و دلائله و التعادى بينهم كان من أجل ذلك جاز أن یقول «فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ» علی هذا الوجه عن جعفر بن حرث؛ جعفر بن حرث گوید: مقصود از «فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ...» این است که: آنها گرفتار اختلاف و همه آنها گرفتار خطا و گمراهی هستند، حال آن که خداوند همه موارد اختلاف آنان را با دلیل واضح برای ایشان بیان کرده، به طوری که همه آنها خطای طرف مقابل را متوجه هستند و بغض و کینه یکدیگر را در دل

زمانی که این تحریف‌ها باقی است عداوت و کینه وجود دارد پس زمانی که حضرت مهدی عجل الله فرجه ظهور کند؛ کتاب تورات تحریف نشده را برای یهودیان آشکار می‌کند و حضرت عیسی علیه السلام هم نزول می‌کند و انجیل تحریف نشده را برای مسیحیان بیان خواهد کرد؛ در این هنگام دیگر جایی برای عداوت در خارج وجود ندارد و تمام آن دشمنی و کینه به خاطرهای تلخ می‌پیوندد و همه مردم جهان به واسطه هدایت‌گری حضرت، دین واحدی پیدا خواهند نمود.

گرفته‌اند ولی هیچ يك از آنها متوجه خطا و اشتباه خود نیستند، بنابراین آنان به وسیله کتاب خدایی به اشتباهات یکدیگر برده و به کمک دلایل روشن آن. انگشت روی خطای یکدیگر می‌گذارند. این موضوع سبب اختلاف و دشمنی آنان شده است. بنابراین منشأ اختلاف، کتاب آسمانی و کتاب آسمانی از خداست و صحیح است که بگوید: ما در میان ایشان دشمنی افکندیم. (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۳، ۲۶۹)

منابع

قرآن کریم

- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر والتنویر*، بیروت، نشر مؤسسة التاريخ، اول، ۱۴۲۰ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (م ۷۷۴ق)، *تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)*، بیروت، دارالکتب العلمیة (منشورات محمدعلی بیضون)، اول، ۱۴۱۹ق.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (م ۵۹۷ق)، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، بیروت، دارالکتب العربی، اول، ۱۴۲۲ق.
- اندلسی، ابوحيان محمد بن یوسف (م ۷۴۵ق)، *البحر المحيط فی التفسیر*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
- آلوسی، محمود (م ۱۲۷۰ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ق.
- آملی، سیدحیدر، *تفسیر المحيط الأعظم والبحر الخضم*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، سوم، ۱۴۲۲ق.
- بحرانی، سیدهاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت، اول، ۱۴۱۶ق.
- بغدادی، علاءالدین علی بن محمد (م ۷۴۱ق)، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول، ۱۴۱۵ق.
- بغوی، حسین بن مسعود (م ۵۱۶ق)، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، اول، ۱۴۲۰ق.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، داراحیاء التراث، اول، ۱۴۲۳ق.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (م ۶۸۵ق و به نقلی ۶۹۱ق)، *أنوار التنزیل وأسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، اول، ۱۴۱۸ق.
- جریر طبری، ابوجعفر محمد بن (م ۳۱۰ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه، اول، ۱۴۱۲ق.
- جعفری، یعقوب (معاصر)، *تفسیر کوثر*، قم، انتشارات هجرت، اول، ۱۳۷۶ش.
- حائری تهرانی، میرسیدعلی (م ۱۳۴۰ق)، *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ش.

- حسنی مغربی، أبی العباس أحمد بن عجبیة (م ۱۲۲۴ق)، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، دکتر حسن عباس زکی، قاهره، ۱۴۱۹ق.
- حقی بروسوی، اسماعیل (م ۱۱۲۷ق)، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى (معاصر)، التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج، بیروت، دارالفکر المعاصر، دوم، ۱۴۱۸ق.
- زمخشری، محمود (م ۵۳۸ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی، سوم، ۱۴۰۷ق.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (م ۱۴۰۹ق)، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، اول، ۱۴۰۶ق.
- سیوطی، جلال الدین (م ۹۱۱ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- شبر، عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین، کویت، مکتبة الألفین، اول، ۱۴۰۷ق.
- شیبانی، محمد بن حسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، اول، ۱۴۱۳ق.
- صادقی تهرانی، محمد (معاصر)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۶۵ش.
- طباطبایی، محمد حسین (معاصر)، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی)، ۱۳۶۴.
- طبرسی، فضل بن حسن (م ۵۴۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ش.
- طوسی محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- عاملی، علی بن حسین، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم، دارالقرآن الکریم، اول، ۱۴۱۳ق.
- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۶۰ش.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ق.
- عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود (م ۳۲۰ق)، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمية، اول، ۱۳۸۰ق.

- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (م ۶۰۶ ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۲۰ ق.
- قرائتی، محسن (معاصر)، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
- قرشی، علی اکبر (معاصر)، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، سوم، ۱۳۷۷ ش.
- _____، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الإسلامية، ششم، ۱۳۷۱ ش.
- کاشانی، ملا فتح‌الله (فوت بین ۹۸۸-۹۹۷ ق)، *زبدة التفاسیر*، قم، بنیاد معارف اسلامی، اول، ۱۴۲۳ ق.
- _____، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ ش.
- کاشانی، محمد بن مرتضی (م پس از ۱۱۱۵ ق)، *تفسیر المعین*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، اول، ۱۴۱۰ ق.
- لاهیجی، محمد بن علی شریف (درگذشت در فاصله ۱۰۸۸ تا ۱۰۹۵)، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر داد، اول، ۱۳۷۳ ش.
- مترجمان، *تفسیر هدایت*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۷۷ ش.
- محلی جلال‌الدین، جلال‌الدین سیوطی، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، اول، ۱۴۱۶ ق.
- مراغی، احمد بن مصطفی (م ۱۳۷۱ ق)، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- مشهدی قمی، میرزا محمد (زنده در سال ۱۱۲۵ ق)، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸ ش.
- مظهری، محمد ثناء الله (م ۱۲۲۵ ق)، *التفسیر المظهری*، پاکستان، مکتبه رشدیه، ۱۴۱۲ ق.
- مغنیه، محمد جواد (م ۱۴۰۰ ق)، *تفسیر الکاشف*، تهران، دارالکتب الإسلامية، اول، ۱۴۲۴ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (معاصر)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامية، اول، ۱۳۷۴ ش.
- ملا حویش، عبدالقادر آل‌غازی (م ۱۳۵۵ ق)، *بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول*، دمشق، مطبعة الترقی، اول، ۱۳۸۲ ق.

- ميبدي، احمد بن ابى سعد رشيد الدين (م ٥٧٠ق)، كشف الأسرار وعدة الأبرار، تهران، انتشارات اميركبير، پنجم، ١٣٧١ش.
- نخجوانى، نعمت الله بن محمود، الفواتح الالهيه والمفاتيح الغيبه، مصر، دار ركابى للنشر، اول، ١٩٩٩م.

